



الگوی ساختاری عوامل اثرگذار بر نگرش زنان پیراشهری نسبت به پلیس (مورد: منطقه غرب شهر اصفهان)

پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۰۴/۰۶

دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۲/۰۳

صفحات: ۱۳۵-۱۵۰

سمیرا پور؛ استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران.
محمد حجی پور؛ استادیار گروه جغرافیا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران.

در فضاهای پیراشهری وجود مسائل و چالش‌های اجتماعی از واقعیت‌های مهم و قابل توجه است که بایستی برنامه‌ریزی در جهت حل آن با وسواس و اولویت‌دار انجام گیرد. زنان به‌عنوان یک بخش از جمعیت انسانی هر سکونتگاهی، به‌ویژه در عرصه پیراشهری، غالباً بیشترین سهم از چالش‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی سهم‌شان است. برخی از این مسائل، با عملکرد نیروهای تأمین‌کننده امنیت در فضا نظیر پلیس ارتباط دارد. همچنین، در سال‌های اخیر پلیس نیز تلاش داشته تا نقش خویش در جوامع و روابط خود با افراد جامعه را بهبود بخشد. نگرش مثبت به پلیس حاصل مؤلفه‌های بسیاری می‌شود که در طول این سال‌ها به برخی بیش‌تر پرداخته و اهمیت داده شده است. پژوهش حاضر و نتایج آن، برآیند مطالعه و بررسی دیدگاه ۲۹۱ نفر از دانشجویان دختر مقاطع مختلف که در منطقه غرب پیراشهر اصفهان ساکن بوده، می‌باشد. نمونه‌گیری از طریق روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انجام شده است. داده‌های حاصل از توزیع پرسشنامه با کمک نرم‌افزارهای SPSS و PLS تجزیه و تحلیل گردیده است. از مدلسازی معادلات ساختاری برای تحلیل داده‌ها استفاده شد و به‌منظور تشخیص برازندگی مدل از شاخص‌های برازش مدل توسط PLS استفاده گردید. نتایج نشان داد ترس از جرم، قربانی جرم شدن و رسانه‌ها به‌طور معناداری تعیین‌کننده‌های نگرش دانشجویان دختر نسبت به پلیس می‌باشند. نتایج تحلیل مسیر نشان داد که قربانی جرم شدن و ترس از جرم در دانشجویان دختر تأثیر منفی بر روی نگرش آنان نسبت به پلیس دارد ولی رسانه‌های جمعی تأثیر مثبتی دارد. همچنین مشخص شد دانشجویان کمتر از ۲۰ سال سن از نگرش مثبت‌تری به پلیس برخوردارند و دانشجویان مقطع دکتری، ترس از جرم بیشتری نسبت به سایر دانشجویان دارند.

چکیده

واژه‌های

کلیدی:

احساس امنیت،
ناهنجاری
اجتماعی، پلیس،
نگرش زنان،
پیراشهر اصفهان.



در کشور ما پلیس به عنوان نماینده حکومت در امر برقراری نظم و امنیت عمومی در جامعه نقش تعیین کننده‌ای دارد (بایاری و همکاران، ۱۳۹۹). یکی از مهم‌ترین مسائل در جوامع دموکراتیک در رابطه با پلیس، نگرش شهروندان نسبت به پلیس است. یکی از اهداف مهم پلیس در جامعه، ایجاد اعتماد بین پلیس و جامعه و تأثیر بر برداشت و ادراک شهروندان است (حمیدی فر و همکاران، ۱۳۹۶). طبق گفته ویتزر و توج (۲۰۰۶)، نگرش شهروندان نسبت به پلیس بر اساس گفتگو با خانواده، دوستان، آشنایان و همکاران فرد شکل می‌گیرد. بر این اساس افرادی که تجارب مثبت یا منفی با پلیس داشته‌اند آن را برای دیگران تعریف می‌کنند و از این طریق موجب شکل‌گیری نگرش شهروندان می‌شوند. از طرفی، امروزه نقش پلیس در کنترل جرم و حل و فصل اختلافات بزه دیده مهم و پررنگ شده و توانایی پلیس در پیشگیری از جرم نیز افزایش یافته است (رجبی تاج امیر، ۱۴۰۰).

در مطالعات بسیاری که از اواخر قرن بیستم محققان مختلف در زمینه‌های گوناگون مطالعاتی همچون علوم سیاسی، روانشناسی، جامعه‌شناسی، رفتارشناسی، حقوق دانان و جرم‌شناسان انجام داده‌اند هر کدام فراخور نوع نگاه و زاویه دید خود به مسائل مربوط به رابطه پلیس و جامعه و نوع نگاه جامعه به نهاد پلیس پرداخته‌اند و موضوعاتی را مطرح نموده‌اند که از آن جمله بحث تأثیرگذاری رسانه‌های مکتوب و غیرمکتوب می‌باشد. به‌ویژه در اواخر قرن بیستم و بیست و یکم با شدت گرفتن نقش تلویزیون، اینترنت و رسانه‌های مجازی و نیز شبکه‌های مجازی در میان خانواده‌ها، شهروندان و به‌خصوص در زندگی قشر جوان جامعه، تأثیر مثبت و منفی آن را به مراتب مورد بحث و گفتگو قرار داده‌اند. از طرفی، طبق گفته داوُلر (۲۰۰۳) با توجه به اینکه افرادی که ترس از جرم بیشتری دارند، به احتمال زیاد عملکرد پلیس را ضعیف قلمداد می‌کنند بنابراین، ترس از جرم نیز به عنوان یکی از عوامل مؤثر بر نگرش افراد نسبت به پلیس تلقی می‌گردد که از دغدغه‌های اصلی پلیس امروز می‌باشد. در واقع، ترس از جرم به بخش جدایی‌ناپذیر زندگی امروزی تبدیل شده است (عشایری و همکاران، ۱۴۰۰) و اشاره به ترس از رفتن به خیابان و ترس از جرائمی دارد که می‌تواند وی را قربانی خود نماید (پریو کاریل و ریچارد بیشوپ، ۲۰۱۸). از طرفی، بر اساس مطالعات انجام شده از سوی کشورهای غربی مشخص گردید که زنان نسبت به مردان ترس از جرم بالاتری دارند حال آنکه کمتر از مردان، قربانی جرائم می‌شوند. از این رو، می‌توان گفت که اکثر زنان جامعه ما که تقریباً نیمی از جمعیت جامعه را تشکیل می‌دهند در معرض این آسیب‌های اجتماعی قرار دارند و مردان خانواده نیز به‌طور غیرمستقیم درگیر این مسئله‌اند چراکه دغدغه دائمی حمایت از زنان و دختران خود را دارند (سلیمانی فصیح، ۱۳۸۹). قربانی جرم شدن نیز به عنوان رویارویی فرد با هر یک از جرائم از پیش‌بینی کننده‌های دیگر نگرش نسبت به پلیس مورد ملاحظه قرار گرفته است (وو و سان، ۲۰۱۰). بعلاوه، با توجه به اینکه بخش اعظمی از جمعیت کشور را جوانان تشکیل می‌دهند که این قشر به دلیل عدم تجربه و تأثیرپذیری بیشتر در این دوران سنی در معرض بیشترین آسیب‌ها می‌باشند و همچنین، افکار و نگرش‌ها و فعالیت‌های آنان شکل‌دهنده چندین دهه از آینده کشور بوده و بر سرنوشت جامعه تأثیر فزاینده‌ای دارد و علاوه بر این، شاهد هستیم که در مهر و موم‌های اخیر به‌ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی حجم گسترده‌ای از این جمعیت جوان در دانشگاه‌ها حضور یافته‌اند و در این فضا به شکل‌دهی شخصیت و افکارشان پرداخته‌اند و از طرفی، دانشگاه به عنوان محل پرورش نخبگان و مرکز اصلی رشد و بالندگی جوامع یکی از پایگاه‌های مهم در مسائل مختلف جامعه است و دانشجویان به عنوان رکن اصلی دانشگاه نقشی اساسی در این فرایند ایفا می‌کنند لذا، تحقیق حاضر به بررسی نگرش دانشجویان دختر ساکن در

منطقه غرب پیراشهر اصفهان نسبت به پلیس و عوامل مؤثر بر این نگرش پرداخته است که به طور خاص همان طور که در مطالب فوق ذکر گردید، به دلیل اهمیت موضوع در میان زنان این تحقیق بر روی دانشجویان دختر صورت گرفت. طبق گفته نجفی ابرندآبادی (۱۳۸۰) و مورگان و نیوبرن (۱۳۸۰)، پلیس سازمانی است که اساساً به منظور برقراری نظم و امنیت و نیز پیشگیری از بروز جرائم در جامعه ایجاد می شود. از این رو، ادراکات عمومی نسبت به نهادهای اعمال قانون می تواند پیامدهای گسترده‌ای به همراه داشته باشد. از این جهت در مطالعه حاضر به بررسی نگرش دانشجویان (به عنوان قشر جوان جامعه) نسبت به پلیس و عوامل مؤثر بر آن پرداخته شده است و در این بخش، ابتدا هدف اصلی تحقیق یعنی نگرش نسبت به پلیس توضیح داده شده و سپس عوامل مؤثر بر آن بررسی گردیده است.

دو رویکرد در این مطالعه مدنظر است که شامل رویکردهای زیر است:

اول، طبق گفته بوردر (۲۰۰۷)، رویکرد پلیسی شخص ثالث به عنوان تلاش های پلیس برای ترغیب یا اجبار سازمان‌ها یا اشخاص غیر بزهکار، مانند ادارات مسکن عمومی، صاحبان اموال، والدین، بازرسان بهداشت و شهرسازی و صاحبان تجارت برای قبول مسئولیت در پیشگیری از جرم یا کاهش مسائل جرم، تعریف شده است. دوم، بوردر (۲۰۰۷) معتقد است که امروزه، پلیس فن آوری بیشتر با مشهودترین عناصر خود شناخته شده است. این عناصر شامل موارد زیر است: به روزآوری اطلاعات رایانه‌ای در مورد جرم، تحلیل جرم و تهیه نقش پیشرفته جرم به عنوان مبنایی برای نشست‌های راهبردی تعاملی که مدیران را در مورد راهبردها و راه‌حل‌های خاص جرم در مناطق تحت مدیریتشان پاسخگو نگه می‌دارد. در ادامه به تشریح هر یک از متغیرهای مورد مطالعه پرداخته شده است:

در مطالعه حاضر نگرش دانشجویان نسبت به پلیس بر اساس میزان رضایتمندی آنان از پلیس، اثربخشی، صداقت و عدالت پلیس سنجیده شده است. رضایتمندی از خدماتی که پلیس به آن‌ها ارائه می‌دهد و سرعت پاسخگویی و حل و فصل جرائم و پیشگیری از وقوع آن‌ها. پلیس اثربخش یعنی تحقق رضایت اهداف توافق شده اجتماعی پلیس و میزان موفقیت پلیس در پیشگیری از جرائم. صداقت پلیس یعنی پاسخگویی، حمایت از حقوق بشر، توسعه خدمت محوری و شفافیت. عدالت و انصاف پلیس یعنی اعمال قانون برای همه به طور یکسان.

ادراکات عمومی نسبت به نهادهای اعمال قانون می‌تواند پیامدهای گسترده‌ای را در کل برای مشروعیت کار پلیس و حتی کنترل اجتماعی داشته باشد. نگرش‌های منفی نسبت به پلیس می‌تواند تمایلات مردم را به همکاری در تحقیقات نهاد اعمال قانون (سانشاین و تیلر، ۲۰۰۳)، حمایت از این نهاد (تیلر و واکسلک، ۲۰۰۴؛ سانشاین و تیلر، ۲۰۰۳) و حتی اطاعت از قانون (سانشاین و تیلر، ۲۰۰۳؛ تیلر و هائو، ۲۰۰۲) کاهش دهد. امروزه نگرش شهروندان نسبت به پلیس به دلیل ظهور مفاهیمی جدید مانند پلیس اجتماعی که بر بهبود روابط متقابل پلیس و شهروندان تأکید دارد، اهمیت بیشتری یافته است. نظرسنجی مستمر از نگرش شهروندان روشی برای برقراری ارتباط با عموم مردم در مورد عملکرد پلیس است. لذا، جنبش‌های اخیر در رابطه با پلیس اجتماعی با این فرض اساسی هستند که مصرف‌کنندگان خرسند از خدمات پلیس به چشم و گوش پلیس تبدیل خواهند شد. اطلاعات در مورد نگرش شهروندان می‌تواند به پلیس بازخوردی از عملکرد خود و برداشت شهروندان از عملکرد آنان فراهم کند (حسنی و ادهمی، ۱۳۹۲). پلیس و نیروی انتظامی مهم‌ترین نهاد نظارت اجتماعی هستند که اساساً برای موفقیت در انجام وظایف خود به همکاری و حمایت شهروندان متکی‌اند (طاهری و همکاران، ۱۳۹۱). اغلب تحقیقات نشان می‌دهد که افراد جوان‌تر نسبت به افراد مسن‌تر، گرایش و ذهنیت موشکافانه‌تری نسبت به پلیس دارند (کائو، ۲۰۰۱؛ گانون، ۲۰۰۵؛ فریدمن و همکاران، ۲۰۰۴). یافته‌های

تحقیق در مورد تأثیر جنسیت بر روی نگرش‌های افراد جوان‌تر، یکسان و ثابت نیست (برون و بندیکت، ۲۰۰۲: ۲). در مطالعات صورت گرفته در سرتاسر جهان در مورد قشر جوان نتایج متفاوتی حاصل شده است. در برخی مطالعات در سال‌های اخیر در کشورهای مختلف نشان داده شده است که افراد جوان‌تر (همانند نوجوانان) ارزیابی‌های نه‌چندان مثبتی را نسبت به پلیس محلی خود ارائه داده‌اند (گانون، ۲۰۰۵: ۵). سبک زندگی فعال‌تر افراد جوان و حضور دسته‌جمعی آنان در مکان‌های عمومی اغلب مداخلات پیش‌فعالانه قابل توجه پلیس را به خود می‌طلبد (کرافورد، ۲۰۰۹). همچنین، از جوان‌ها بیشتر انتظار می‌رود که فعالیت‌های غیرقانونی از خود نشان دهند و یا در رفتارهایی درگیر شوند که مخالف و در چالش با ساختارهای ایجادشده و نهادهای تصمیم‌گیرنده و دارای اختیار هست (رادفورد و همکاران، ۲۰۰۵). از این رو و بر اساس چنین نتایجی بررسی وضعیت ارتباطی و نگرشی جوانان نسبت به پلیس با توجه به حساسیت جایگاه جوانان در جامعه از اهمیت خاصی برخوردار می‌گردد. مطالعات قبلی نشان داد افرادی که برخورد‌های مناسبی را با پلیس تجربه کرده‌اند، نگرش و ارزیابی مطلوب‌تری نسبت به پلیس ارائه داده‌اند (بوررو، ۲۰۰۱؛ شافر و همکاران، ۲۰۰۶؛ اسکوگان، ۲۰۰۵). در این مطالعه برخلاف مطالعات جهانی صورت گرفته در این حیطه که پیش‌تر بر روی قشر جوان تحقیق به عمل آمده است، تمرکز مطالعه فوق بر روی قشر تحصیل‌کرده و دانشجوی می‌باشد چراکه درصد بالایی از جوانان این کشور در محیط دانشگاه، رشد و نمو می‌یابند و حجم بالایی از این رده سنی، دانشجوی می‌باشند. با در نظر گرفتن اهمیت و جایگاه این مقاطع سنی و نقشی که محیط آموزشی دانشگاه در سیکل زندگی آنان ایفا می‌کند، مطالعه حاضر به بررسی نگرش دانشجویان دختر منطقه غرب پیرا شهر اصفهان نسبت به پلیس و جایگاه آن می‌پردازد. چراکه هم به لحاظ فراوانی نسبت به دانشجویان پسر از تعداد بیشتری در دانشگاه‌ها برخوردارند و هم به لحاظ اینکه نسبت به مردان در معرض آسیب و خطر بیشتری هستند و امکان دارد حتی قربانی جرم نیز شده باشند.

در زمینه نگرش نسبت به پلیس، پژوهش‌های مختلفی در سرتاسر جهان صورت گرفته است از جمله آن، مطالعات محققانی همچون کائو و همکاران (۱۹۹۶) و وو و همکاران (۲۰۰۹) می‌باشد که نشان می‌دهد قربانی جرم شدن، ترس از جرم، در معرض رسانه قرار گرفتن در زمره عوامل پیش‌بینی کننده مهم نگرش دانشجویان نسبت به پلیس می‌باشند. همچنین، رزیگ و کریا (۱۹۹۷) نگرش‌ها نسبت به پلیس را در سطح شهر ایالت و روستا مورد بررسی قرار دادند. آن‌ها متوجه شدند افرادی که حضاریه دریافت نمودند، نگاه منفی‌تری به پلیس ایالت و نه پلیس روستا یا شهر داشتند. لذا، با توجه به مطالعات بررسی شده در مورد نگرش نسبت به پلیس، در این مطالعه عوامل تأثیرگذار بر نگرش نسبت به پلیس که شامل رسانه‌های جمعی، ترس از جرم و قربانی جرم شدن می‌باشد مورد بررسی قرار گرفته است.

رسانه‌های جمعی: رسانه‌های جمعی (از مطبوعات، سینما، رادیو و تلویزیون گرفته تا بازی‌های رایانه‌ای، لوح‌های فشرده موسیقی، دی وی دی، اینترنت) ابزاری هستند که در یک جامعه از آن برای ابلاغ پیام‌ها، بیان افکار و انتقال مفاهیم به دیگران استفاده می‌شود (ستوده، ۱۳۸۴). رسانه‌های جمعی با داشتن مخاطبین زیاد، قدرت تأثیرگذاری و امکان استفاده از تکنیک‌های خاص به‌طور مستقیم و غیرمستقیم نقش بارزی در آموزش افراد جامعه ایفا می‌کنند. نتایج مطالعات نشان می‌دهد که رسانه‌های جمعی از یک طرف (بسته به نحوه انعکاس حوادث و اخبار) توانایی تشدید احساس ناامنی، ترویج بزهکاری و تشویق افراد مستعد به ارتکاب جرم را دارند و از سوی دیگر با ایفای نقش اطلاع‌رسانی و ترویج الگوهای زندگی سالم، می‌توانند در کاهش وقوع جرم و افزایش احساس امنیت مؤثر باشند. به‌طور کلی، طرز

نگرش و نگاه مردم به جرم به آنچه از طریق رسانه‌های جمعی چاپ و پخش می‌شود، بستگی دارد. از طرفی، می‌توان ادعا کرد که بخش عمده‌ای از برداشت ما از جرم و عدالت، محصول تأثیر رسانه‌ها می‌باشد. در واقع، رسانه‌ها تأثیر مهمی بر افکار عمومی جامعه می‌گذارند. تصویر پلیس در ذهن مردم متأثر از شیوه به تصویر کشیدن جرم و فعالیت‌های پلیس در رسانه‌های جمعی است. بنابراین، شاید بی‌اغراق نباشد اگر رسانه‌ها را یکی از بازی‌گردانان اصلی در جهت‌دهی نگرش عامه مردم به جرم و عدالت دانست. علی‌الخصوص رسانه‌های جدید (همچون سایت‌های اینترنتی، وبلاگ‌ها، تلفن‌های همراه لنزدار، لوح‌های فشرده، دی‌وی‌دی‌ها) که همه‌چیز را دستخوش تغییراتی مهم و بحث‌برانگیز کرده است.

قربانی جرم شدن: در نظرسنجی‌ها در رابطه با جرم و جنایت، عموماً از پاسخ‌دهندگان پرسیده می‌شود که به نظر آنان، احتمال اینکه در آینده قربانی جرم شوند چقدر است. بررسی مقالات مربوط به اصطلاح خطر نشان می‌دهد که این مفهوم از آنچه در ابتدا به نظر می‌رسد؛ بسیار پیچیده‌تر است. ترس از قربانی شدن با احساس ناامنی تفاوت دارد. احساس ناامنی حتی ممکن است از طریق فرهنگ و از نسلی به نسل دیگر منتقل شود؛ درحالی که ترس از قربانی شدن، وضعیتی است که فرد یا خود به‌طور مستقیم جرم را لمس کرده است یا اطرافیانش جرم را با چشم خود دیده‌اند و منابع معتبری برای او محسوب می‌شوند. قربانی جرم شدن دو نوع است: ۱- قربانی شدن (تجربه مستقیم) که تجربه واقعی و عینی فرد است از جرمی که از نزدیک آن را لمس کرده و در محدوده زمانی مشخصی روی داده است، ۲- قربانی شدن (تجربه غیرمستقیم) که اشاره دارد به میزان آگاهی فرد از رخداد جرائم برای آشنایان، دوستان و اطرافیانش (ربانی و همکاران، ۱۳۸۹). تیلور و هال در سال ۱۹۸۶ مدل قربانی شدن غیرمستقیم را طرح کرده‌اند. در این مدل فرض می‌شود افرادی که درباره جرم می‌شنوند، به دلیل افزایش میزان ترسشان، قربانیان غیرمستقیم جرم هستند (عبدالملکی و همکاران، ۱۳۹۶). طبق نظر اسکوگن و مکسفیلد بیشتر افراد از طریق تجربه مستقیم از جرائم اطلاع نمی‌یابند، بلکه آن‌ها برای آگاهی از مسائل و مشکلات همسایگی خود اغلب به شبکه‌های اطلاع‌رسانی محلی، گفتگو با دیگران، شایعات یا رسانه‌های جمعی (رادیو، تلویزیون، روزنامه) متکی‌اند (راشل کلارک، ۲۰۰۶).

از جمله مطالعات صورت گرفته در زمینه قربانی جرم شدن و ارتباط آن با نگرش نسبت به پلیس مطالعه چوو (۲۰۱۱) می‌باشد که به بررسی نگرش جوانان و نوجوانان یکی از شهرهای کانادایی نسبت به پلیس پرداخت. وی در این مطالعه ۲۶۲ دانش‌آموز را در ۱۴ دبیرستان مختلف در این شهر به‌عنوان نمونه مورد بررسی قرارداد. یافته‌ها نشان داد که پاسخ‌دهندگان، ارزیابی‌های مثبت‌اندکی نسبت به پلیس داشتند. درحالی که افراد بزرگ‌تر و آن‌هایی که نگرش‌های مثبت‌تری را نسبت به پلیس مطرح کرده بودند به دلیل این بوده است که هیچ تجربه‌ای از سوء رفتار پلیس نداشته‌اند و قربانی جرم نشده بودند. همچنین، آن دسته از پاسخ‌دهندگان که تمایل کمتری به درگیر شدن در فعالیت‌های غیرقانونی نشان می‌دادند از عملکرد پلیس ارزیابی مطلوبی را ارائه داده بودند. ماکسن و همکارانش (۲۰۰۳) نیز در مطالعه‌ای در مورد عوامل مؤثر بر نگرش مردم به پلیس در لس‌آنجلس امریکا به این نتیجه رسیدند که افرادی که قبلاً قربانی جرم شده‌اند نگرش منفی‌تری به پلیس دارند چراکه عملکرد پلیس را ضعیف قلمداد می‌کنند (علیزاده اقدم و همکاران، ۱۳۹۵).

ترس از جرم: طبق گفته خوراسگان و همتی (۱۳۷۸)، ترس از جرم اشاره به واکنشی عاطفی دارد که برآیند جرم یا نمادهای مرتبط با جرم است. ظهور اصطلاحاتی از قبیل سیاست‌های ترس، ترس از جرم و ترس از آینده گواهی بر اهمیت ترس در دنیای کنونی است. در سال‌های اخیر سؤالات پیرامون ترس و نگرانی در ارتباط با مسائل گسترده‌تری مثل ترس از محیط شهری، ترس از جرم، ترس از دیگران و تقویت ترس از طریق رسانه‌ها مطرح شده است. طبق گفته فوردی (۲۰۰۷)، ترس و نگرانی از جرم و بزه‌دیدگی یکی از ترس‌هایی است که بسیاری از ساکنان شهرهای بزرگ امروزه به نوعی با آن درگیر هستند و بر کیفیت زندگی و سلوک و رفتار اجتماعی آنان تأثیر فراوانی بر جای می‌گذارد. امروزه به‌ویژه در کلان‌شهرها ترس از جرم به نگرانی عمده‌ای برای شهروندان تبدیل شده و ساکنان شهرهای بزرگ در برخورد و مواجهه با جرائم واقعی یا خیالی پیش رو دچار نگرانی‌ها و ترس‌هایی هستند که بر سایر ابعاد ذهنی شهروندان و کیفیت زندگی آنان تأثیر منفی می‌گذارد (قاضی نژاد و شاکری، ۱۳۹۱). ترس موجب می‌شود افراد، کمتر برای قدم زدن، بازی در پارک محلی و استفاده از تسهیلات عمومی بیرون بروند (عبدالملکی و همکاران، ۱۳۹۶). طبق گفته گروه (۲۰۰۶)، آنچه ترس از جرم را به‌عنوان یک مسئله اجتماعی مطرح می‌کنند، عمق و شدت پیامدهای آن برای افراد و جامعه است. مردم به شیوه‌های متفاوتی به ترس از جرم واکنش نشان می‌دهند. آن‌ها ممکن است از حضور در مکان‌های معین و در زمان‌های ویژه اجتناب کنند، تجهیزات پیشگیری از جرم خریداری نمایند، گروه‌هایی علیه جرم و یا به‌منظور دفاع از خود تشکیل دهند، فعالیت‌های روزمره و سبک زندگی خود را تغییر دهند و یا از مشارکت در زندگی اجتماعی کناره‌گیری کنند. طبق گفته هال (۱۹۹۶)، ترس از جرم به ترس از قربانی شدن شخص توسط جرم در مقابل احتمال واقعی قربانی شدن اشاره دارد. در صورتی که ترس از قربانی شدن در بین شهروندان شیوع یابد، باعث کاهش مشارکت، کاهش اعتماد اجتماعی، افت سرمایه اجتماعی، کاهش روابط اجتماعی و همدلی در بین محلات و سطح شهر خواهد شد (سهراب زاده و همکاران، ۱۳۹۳). براساس رویکرد آسیب‌پذیری، افرادی که احساس می‌کنند احتمال بیشتری دارد قربانی جرم شوند، سطوح بالاتری از ترس را تجربه می‌کنند (عبدالملکی و همکاران، ۱۳۹۶).

برخی از مطالعات نشان داده‌اند که اگر احساس شود که اجتماع محلی بدتر شده است و منطقه بومی نسبت به سایر نقاط دارای جرائم بیشتری است؛ آنگاه ترس از جرم افزایش می‌یابد (اوانز و فلتچر، ۲۰۰۰؛ هال، ۱۹۹۴) و از سوی دیگر، درک محله به‌عنوان یک محله بسامان و رضایت‌بخش، تأثیر بسیار زیادی بر ترس از جرم دارد (شافر و همکاران، ۲۰۰۶). شهروندانی که از خدمات پلیس راضی هستند، پلیس را در مقابله با جرائم کارا می‌بینند و لذا، ترس کمتری اظهار می‌کنند (طاهری و همکاران، ۱۳۹۱). سیهان و ولز (۲۰۱۰) نیز در مطالعه خود از ۱۳۰۰ خانواده آمریکایی که به‌طور تصادفی به‌عنوان نمونه انتخاب نمودند به بررسی ترس از جرم به‌عنوان پیش‌بینی‌کننده نگرش افراد نسبت به پلیس پرداختند. از میان زنان و مردان براساس مطالعات انجام‌شده از جمله استانکو (۱۹۹۲)، میزان ترس از جرم زنان بیشتر از مردان است با اینکه نسبت به مردان قربانی جرم کمتری می‌شوند. حال به دلیل وجود ترس بیشتر در زنان که مردان خانواده را نیز که مسئولیت حمایت از آنان را بر عهده‌دارند، درگیر نموده است؛ لزوم پرداختن به آن و تلاش در راستای کاهش آن اهمیت بسزایی دارد. چراکه درنهایت، این زنان هستند که بیشترین هزینه را در این خصوص می‌پردازند. آن‌ها وحشتی را هرروز تجربه می‌کنند، وحشتی که اعتمادبه‌نفس آنان را می‌گیرد، مانع استقلال آنان می‌شود و تجربه آن‌ها از زندگی را در دو بعد زمانی و مکانی محدود می‌سازد (سلیمانی فصیح، ۱۳۸۹).

بمطالعه روابط سازه‌های مطرح‌شده که به کمک پیشینه تحقیق و مبانی نظری صورت گرفته است، مدل مفهومی مطالعه حاضر بر پایه سه رکن ترس از جرم، قربانی جرم شدن و رسانه‌ها به‌عنوان متغیرهای مستقل و همچنین، نگرش نسبت به پلیس به‌عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده است.

روش‌شناسی

روش تحقیق مطالعه حاضر در طبقه‌بندی تحقیقات توصیفی و از نوع پیمایشی - تحلیلی قرار گرفته است و از لحاظ هدف، ماهیتی کاربردی دارد. داده‌های به‌دست آمده از این تحقیق، با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS و PLS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در واقع به‌منظور تحلیل متغیرهای جمعیت شناختی از نرم‌افزار SPSS و برای آزمون فرضیه‌های تحقیق از PLS استفاده شد. جامعه آماری این تحقیق دختران دانشجویان (تمامی مقاطع و دانشگاه‌ها) ساکن در منطقه غرب پیراشهر اصفهان بوده است. جهت جمع‌آوری اطلاعات در این مطالعه از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده متناسب با حجم نمونه بهره گرفته شده است. منطبق با فرمول کوکران (با حجم جامعه نامعلوم) و با توجه به جامعه آماری مطرح در این پژوهش، تعداد حجم نمونه ۲۹۱ دانشجوی برآورد گردید.

$$n = \frac{z^2 pq}{d^2}$$

$$Z = \text{برابر } ۱/۹۶$$

$$p, q = \text{برابر } ۰/۵$$

$$d = \text{مقدار اشتباه مجاز (۶ درصد)}$$

ابزار گردآوری اطلاعات در این تحقیق را پرسشنامه‌ای محقق ساخته تشکیل می‌دهد که در دو بخش سؤالات جمعیت شناختی و تخصصی تعریف شده است. پرسشنامه تنظیم شده شامل ۳۵ گویه مربوط به متغیرهای مورد مطالعه می‌باشد که براساس طیف ۵ امتیازی لیکرت (۰ = اصلاً تا ۴ = کاملاً زیاد) تنظیم شده است. این پرسشنامه با توجه به مؤلفه‌های استخراج شده از تحقیقات گذشته طراحی شده است و از اساتید مدیریت و علوم اجتماعی، درخواست گردید که در جهت سنجش روایی صوری - محتوایی پرسشنامه، محقق را یاری رسانند. به‌علاوه، پس از جمع‌آوری اطلاعات از تحلیل عاملی تأییدی جهت سنجش روایی عاملی پرسشنامه بهره گرفته شد. نتایج بار عاملی گویه‌ها در جدول ۴ آمده است. جهت سنجش پایایی پرسشنامه نیز از روش ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد، نتایج مربوط به آن نیز در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. ضریب آلفای کرونباخ متغیرهای تحقیق

متغیرها	تعداد گویه‌ها	ضریب آلفای کرونباخ
رسانه	۴	۰/۷۹۷
ترس از جرم	۴	۰/۷۸۴
قربانی جرم شدن	۴	۰/۷۹۵
نگرش به پلیس	۲۰	۰/۹۵۲

همان‌طور که در این جدول ملاحظه می‌شود و طبق گفته مؤمنی (۱۳۸۷)، با توجه به اینکه برای پژوهش‌های علوم انسانی ضریب آلفای بالاتر از ۰/۷ قابل قبول است، می‌توان پایایی پرسشنامه مذکور را مناسب ارزیابی نمود. آمارها از حاشیه‌نشینی ۵۰۰ هزار ساکن اصفهان در اطراف این کلانشهر خبر می‌دهد. آن‌ها یا از پاکستان، سوریه، عراق، ترکیه و افغانستان آمده‌اند یا از بیکاران استان‌های کم برخوردار چون چهارمحال و بختیاری، کرمانشاه و استان‌های جنوبی کشور هستند (حیدریان، ۱۳۹۹). از مهم‌ترین محلات حاشیه‌نشین و پیراشهر اصفهان می‌توان به هفت‌آباد، کوله پارچه، تخت فولاد، جماله، حجتیه، دارک، ارزنان و غیره اشاره داشت. در این تحقیق محل‌های زهران، نازوان، جروکان، بابوکان جنوبی، بهارانچی، لیمجیر و دهنو مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است. جمعیت این منطقه‌ی غربی شهر اصفهان حدود ۲۵۰ هزار نفر اعلام شده است (دهقانی، ۱۳۹۸).

یافته‌های پژوهش

نتایج حاصل از آمار توصیفی متغیرهای جمعیت شناختی نشان داد که اکثر دانشجویان دختر در بازه سنی ۲۰ تا ۲۴ سال قرار داشتند (۴۳/۳ درصد). ۶۵/۶ درصد آنان دارای تحصیلات لیسانس بودند. ۶۸/۴ درصد آنان مجرد بودند. اکثر آنان بومی شهر اصفهان بودند (۷۱/۱ درصد) و ۳۰/۹ درصد از آنان از رشته‌های فنی و مهندسی بودند. در این قسمت به بررسی تأثیر متغیرهای جمعیت شناختی (سن، دوره تحصیلی، رشته تحصیلی، وضعیت تاهل، اسکان و درآمد) بر نگرش دانشجویان دختر نسبت به پلیس پرداخته شده است و نتایج آماری متغیرهایی که تأثیر معناداری بر نگرش دانشجویان نسبت به پلیس دارند، آورده شده است. با توجه به سطح معناداری کمتری از ۵ درصد مشخص شد که تفاوت معناداری میان سن دانشجویان و نگرش آنان به پلیس وجود دارد.

جدول ۲. تأثیر سن بر نگرش به پلیس

معناداری	f	درجه آزادی	بین گروه‌ها
۰/۰۴۱	۲/۵۲۰	۴	درون گروه‌ها
		۲۸۰	کل
		۲۸۴	

حال برای مشخص شدن این تفاوت‌ها از آزمون دانکن استفاده می‌شود. با توجه به نتیجه آزمون دانکن مشخص شد دانشجویان کمتر از ۲۰ سال دارای نگرش بهتری به پلیس هستند و دانشجویان بیش از ۳۵ سال سن از پایین‌ترین میزان نگرش به پلیس برخوردارند.

جدول ۳. نتایج آزمون دانکن برای بررسی تأثیر سن روی نگرش

زیر گروه‌ها		تعداد نمونه	سن
۲	۱		
	۱/۲۸۲۴	۹	۳۵ سال به بالا
۱/۵۵۲۱	۱/۵۵۲۱	۶۰	۲۵-۲۹ سال
۱/۶۲۵۰	۱/۶۲۵۰	۲۵	۳۰-۳۴ سال
۱/۷۵۹۳		۱۲۶	۲۰-۲۴ سال
۱/۷۹۱۷		۶۵	کمتر از بیست سال

در این پژوهش از روش حداقل مربعات جزئی توسط نرم افزار پی‌ال‌اس و رویه هالاند^۱ (۱۹۹۹) به منظور بررسی مدل‌های اندازه‌گیری، ساختاری و آزمون فرضیات استفاده شده است. چراکه پی‌ال‌اس نگرشی مبتنی بر واریانس است که در مقایسه با تکنیک‌های مشابه معادلات ساختاری همچون لیزرل و آموس نیاز به شروط کمتری دارد (Liljander et al., 2009). به طور مثال برخلاف لیزرل، مدل‌یابی مسیر پی‌ال‌اس برای کاربردهای واقعی مناسب‌تر است، به‌ویژه هنگامی که مدل‌ها پیچیده‌تر هستند بهره‌گیری از این نگرش مطلوب‌تر خواهد بود (Wen Wu, 2010). البته مزیت اصلی آن در این است که این نوع مدل‌یابی نسبت به لیزرل به تعداد کمتری از نمونه نیاز دارد.

مدلیابی PLS طبق پیشنهاد هالاند در دو مرحله انجام می‌شود: مرحله اول، بررسی مدل اندازه‌گیری تحقیق می‌باشد که بدین منظور روایی عاملی و پایایی مدل مورد بررسی قرار می‌گیرد و دومین مرحله که ارزیابی مدل ساختاری است به برآورد مسیر بین متغیرها و تعیین شاخص‌های برازش مدل پرداخته می‌شود (هالاند، ۱۹۹۹).

به منظور دستیابی به اعتبار همگرا و میزان همبستگی، آزمون‌های پایایی مرکب^۲ و میانگین واریانس اقتباس شده^۳ ارزیابی شد. پایایی مرکب بالاتر از ۰/۸ همراه با میانگین واریانس حداقل ۰/۵ دو شرط لازم برای اعتبار همگرا و همبستگی یک سازه می‌باشند (چنگک^۴؛ ۲۰۰۹). همان‌طور که در جدول ۸ نشان داده شده است، پایایی مرکب و میانگین واریانس در بازه مورد قبول قرار داشتند که اعتبار همگرایی بالایی را نشان می‌دهند. حال برای مشخص شدن اینکه آیا گویه‌ها بیان‌کننده سازه‌های مورد نظر هستند از تحلیل عاملی تأییدی استفاده شده است. با توجه به معیار فورنل و لارکر^۵ (۱۹۸۱)، اگر بارهای عاملی گویه‌ها از ۰/۵ بزرگتر باشند از اعتبار مناسبی برخوردار خواهند بود و همان‌طور که از جدول ۸ ملاحظه می‌شود، تمامی سازه‌ها در بازه مورد قبول قرار دارند و بدین ترتیب روایی سازه پرسشنامه نیز تأیید می‌شود. در واقع، از این طریق مشخص گردید که گویه‌های مربوط به هر یک از متغیرهای تحقیق به درستی طراحی شده است و متغیر مورد نظر را اندازه‌گیری نموده است. بدین ترتیب مدل اندازه‌گیری تحقیق حاضر مورد بررسی و سپس در این مرحله تأیید گردید.

جدول ۴. بار عاملی گویه‌ها، پایایی مرکب و میانگین واریانس

متغیرها	گویه‌ها	بار عاملی	پایایی مرکب	میانگین واریانس	متغیرها	گویه‌ها	بار عاملی	پایایی مرکب	میانگین واریانس
قربانی جرم شدن	gh37	۰/۵۴۵	۰/۸۰۱	۰/۵۹۵		n1	۰/۶۵۸	۰/۹۵۶	۰/۵۷۵
	qh38	۰/۷۱۹				n2	۰/۷۳۱		
	qh39	۰/۵۶۸				n3	۰/۷۳۲		
	qh40	۰/۶۶۷				n4	۰/۷۶۵		
ترس از جرم	t27	۰/۵۵۵	۰/۸۲۱	۰/۵۶۴		n5	۰/۷۴۴		
	t28	۰/۹۱۹				n6	۰/۷۳۳		
	t29	۰/۶۹۷				n7	۰/۷۴۷		

^۱ PLS (Partial Least Square)

^۲ Hulland

^۳ Composite Reliability

^۴ Average Variance Extracted (AVE)

^۵ Cheng

^۶ Fornell & Lurker

	۰/۷۳۵	n8	نگرش به پلیس			۰/۵۱۵	t30	
	۰/۶۹۹	n9		۰/۵۱۸	۰/۸۲۰	۰/۸۱۹	r1	رسانه
	۰/۷۰۱	n10				۰/۷۸۳	r2	
	۰/۷۰۴	n11				۰/۷۱۳	r3	
	۰/۶۴۱	n12				۰/۵۲۹	r4	
	۰/۶۲۲	n13						
	۰/۶۷۸	n14						
	۰/۶۸۵	n15						
	۰/۷۰۲	n17						
	۰/۶۵۵	n18						
	۰/۶۵۱	n19						
	۰/۶۸۹	n20						
	۰/۶۸۹	n21						
	۰/۶۵۰	n22						
	۰/۵۹۵	n23						
	۰/۶۰۸	n24						
	۰/۶۹۷	n25						

در این مرحله به روش حداقل مربعات جزئی، شاخص‌های برازندگی مدل تعیین گردیده است. از عمده‌ترین شاخص‌ها برای تعیین اعتبار مدل، محاسبه مقادیر شاخص‌های مطلق، نسبی^۱ و برازش مدل درونی و بیرونی است. هر یک از این شاخص‌ها هر چه به یک نزدیک‌تر و از ۰/۵ بیشتر باشند نشانه برازش خوب و کامل‌تر مدل می‌باشد.

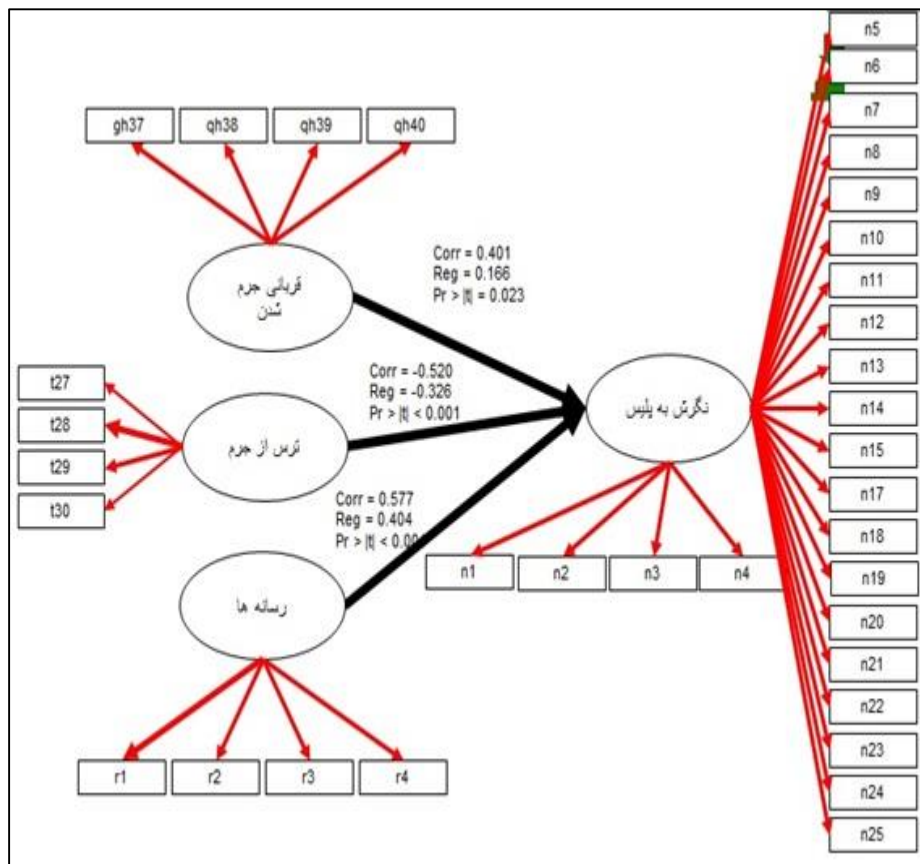
جدول ۵. شاخص‌های برازندگی مدل ساختاری

مقدار شاخص‌ها	شاخص‌ها
۰/۵۴۴	شاخص مطلق
۰/۸۵۴	شاخص نسبی
۰/۹۸۳	شاخص مدل بیرونی
۰/۸۶۹	شاخص مدل درونی

همان‌طور که در جدول فوق ملاحظه می‌شود، مقادیر تمامی شاخص‌ها در دامنه مورد قبول قرار دارد و این نشان‌دهنده آن است که مدل مفهومی تحقیق از برازندگی مطلوبی برخوردار است و متغیرهای تحقیق به درستی در کنار هم قرار گرفته‌اند. شکل ۲ نیز مدل معادلات ساختاری تحقیق حاضر را به تفکیک هر یک از طبقات نشان می‌دهند. ضریب مسیر با (Reg) و معناداری ضرایب با (P) نشان داده شده است.

^۱ Absolute Index

^۲ Relative Index



در جدول ۶ نتایج حاصل از آزمون فرضیات تحقیق حاضر در قالب ضرایب مسیر همراه با سطح معناداری و آماره آزمون نشان داده شده است. از آنجا که در این تحقیق سطح اطمینان ۹۵ درصد در نظر گرفته شده است لذا، برای آزمون فرضیات اگر معناداری کمتر از ۵ درصد باشد مسیر و ضریب مسیر مورد نظر معنادار بوده و فرضیه مربوطه تأیید می‌گردد در غیر این صورت، فرضیه رد می‌شود.

جدول ۶. نتایج آزمون فرضیه‌ها

نتیجه	معناداری	آماره t	ضریب مسیر	فرضیه‌ها
تأیید	۰/۰۲۳	-۲/۲۲۱	-۰/۰۶۶	قربانی جرم شدن بر نگرش به پلیس تأثیر معناداری دارد.
تأیید	۰/۰۰۰	-۶/۵۳۷	-۰/۳۲۶	ترس از جرم بر نگرش به پلیس تأثیر معناداری دارد.
تأیید	۰/۰۰۰	۷/۳۰۳	۰/۴۰۴	رسانه‌ها بر نگرش به پلیس تأثیر معناداری دارد.

همان‌طور که از جدول فوق ملاحظه می‌شود، با توجه به کمتر بودن سطح معناداری تمامی فرضیه‌ها از ۵ درصد و نیز بیشتر بودن آماره t به لحاظ قدرمطلق از مقدار ۱/۹۶ لذا، تمامی فرضیه‌های تحقیق مورد تأیید قرار گرفتند و مشخص گردید رابطه میان ترس از جرم و قربانی جرم شدن دانشجویان دختر با نگرش آنان به پلیس یک رابطه معکوس می‌باشد ولی رابطه بین رسانه‌های جمعی با نگرش دانشجویان نسبت به پلیس رابطه‌ای مثبت و معنادار است.

نتیجه‌گیری

هدف تحقیق حاضر بررسی تأثیر قربانی جرم شدن، ترس از جرم و رسانه‌های جمعی بر روی نگرش دانشجویان دختر پیراشهر غرب اصفهان نسبت به پلیس بود. بر اساس نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها مشخص گردید که تمامی فرضیات مطرح شده در مدل مفهومی تحقیق حاضر، مورد تأیید و معنادار می‌باشند. به این معنا که تمامی متغیرهای مستقل موجود در مدل، همگی پیش‌بینی کننده‌های مناسبی برای نگرش دانشجویان دختر نسبت به پلیس شناخته شده‌اند. از طرفی، براساس شاخص‌های برازش مدل مشخص گردید که مدل از برازندگی مناسبی برخوردار می‌باشد.

تایید فرضیه اول تحقیق حاضر بیان می‌دارد که قربانی جرم شدن بر نگرش دانشجویان دختر نسبت به پلیس تأثیر منفی و معناداری می‌گذارد. این یافته همسو با مطالعات محققانی از جمله وو و همکاران (۲۰۰۹)، وو و سان (۲۰۱۰) و چوو (۲۰۱۱) می‌باشد. آن‌ها در مطالعات خود نشان دادند که قربانی جرم شدن تمایل به افزایش نگرش نامطلوب نسبت به پلیس را ایجاد می‌کند چرا که مسلم است تجربه تلخ قربانی جرم شدن به همراه احساسات منفی که به همراه دارد از جمله احساس عدم امنیت نسبت به عوامل بیرونی بر نگرش نسبت به پلیس تأثیری این چنین خواهد گذاشت و امکان دارد فرد قربانی، شرایط به وجود آمده را ناشی از عملکرد ضعیف نیروهای امنیتی و پلیس بداند که بروز این احساس در فرد قربانی جرم، باعث می‌شود تا نگرش فرد به پلیس منفی شود. از طرفی، در کنار تجربه مستقیم و یا غیرمستقیم قربانی جرم شدن، نتایج نشان داد متغیر ترس از جرم نیز تأثیری منفی و معنادار بر نگرش دانشجو نسبت به پلیس دارد، این یافته همسو با مطالعاتی همچون کائو و همکاران (۱۹۹۶)، وو و سان (۲۰۱۰) و سیهان و ولز (۲۰۱۰) می‌باشد. آن‌ها در مطالعات خود نشان دادند که ترس از جرم و جنایت اثر منفی قابل توجهی بر روی اعتماد افراد نسبت به پلیس می‌گذارد و در نتیجه، نگرش مثبت نسبت به پلیس کاهش می‌یابد. رنور (۲۰۰۷) نیز در مطالعه خود نشان داد که ترس از جرم زمانی کاهش می‌یابد که افراد احساس کنند پلیس و مسئولان شهر، پاسخگوی مطالبات افراد هستند. در واقع، می‌توان چنین بیان داشت که اگر پلیس در خنثی کردن جرائم تا حد امکان موفق نباشد، باید انتظار میزان بالای ترس از جرم در شهروندان را داشت که به نوبه خود باعث کاهش نگرش آنان نسبت به پلیس می‌شود. ترس از جرم و اینکه فرد احساس کند به زودی قربانی جرمی خواهد شد در او اضطرابی شدید ایجاد می‌کند که در زمره خسارات وارده بر سلامت روانی وی است.

رسانه‌ها نیز تأثیر معناداری را بر نگرش دانشجویان دختر نسبت به پلیس نشان دادند. بدین شکل که هرچه بیشتر رسانه‌ها تصویر مثبتی از پلیس را نشان دهند از میزان ترس از جرم افراد کاسته می‌شود و هر چه دید افراد به پلیس را منفی تر کنند ترس آن‌ها به جرائم بیشتر خواهد شد و نگرش آن‌ها به پلیس نیز منفی تر می‌شود. این نتیجه مطابق با یافته‌های ویتزر (۲۰۰۲) و داوُلر و زاویلیسکی (۲۰۰۷) است که بیان داشتند گزارشات خبری از خشونت پلیس ممکن است احساسات منفی افراد را نسبت به پلیس افزایش دهد و در نتیجه، نگرش مثبت افراد نسبت به پلیس رو به افول می‌رود. در واقع، رسانه‌ها ترس غیرعقلانی و بی‌موردی را از طریق افراط در پوشش نمایشی جرم (معمولاً جرائم خشونت‌آمیز) ایجاد می‌کنند. به این ترتیب رسانه‌ها ممکن است جغرافیای ترس ایجاد کنند و بر حضور و استفاده افراد از مکان‌های خصوصی و عمومی تأثیر بگذارند (بانکز، ۲۰۰۵). از این رو شاید بی‌اغراق نباشد اگر رسانه‌ها را یکی از بازی گردانندگان اصلی در جهت‌دهی نگرش عامه مردم به جرم و عدالت دانست. علی‌الخصوص رسانه‌های جدید (همچون سایت‌های اینترنتی، وبلاگ‌ها، تلفن‌های همراه، لوح‌های فشرده، دی‌وی‌دی‌ها و شبکه‌های مجازی که اخیراً

به میزان بیشتری در جامعه مورد استفاده قرار می‌گیرد) که همه چیز را دستخوش تغییراتی مهم و بحث‌برانگیز کرد است. لذا، می‌توان با در نظر گرفتن بخشی در روزنامه‌ها و دیگر انواع رسانه‌های جمعی از جمله رادیو و تلویزیون برای نشان دادن اقتدار نیروهای پلیس و فعالیت‌های مختلف آنان در ایجاد امنیت و آرامش به زنان احساس امنیت بیشتری بخشید و در نتیجه، نگرش آنان به پلیس نیز بهبود خواهد یافت.

با توجه به تأیید تمامی فرضیات و روابط مطرح شده که تأثیر آن‌ها را بر نگرش به پلیس نشان می‌دهد مشخص می‌گردد که پلیس جهت افزایش نگرش مثبت دانشجویان باید روی میزان قربانی جرم شدن، ترس از جرم، و رسانه‌ها توجه بیشتری داشته باشد و تلاش کند تا به نوعی از ترس از جرم آن‌ها بکاهد، میزان قربانی شدن آن‌ها را نیز کاهش دهد، از طریق رسانه‌ها سعی در شکل‌گیری نگرش مثبت در دانشجویان دختر نسبت به پلیس داشته باشد. از طرفی، با توجه به بررسی تأثیر متغیرهای جمعیت شناختی بر روی متغیرهای اصلی تحقیق حاضر، مشخص گردید که دانشجویان دکتری ترس از جرم بیشتری دارند. دانشجویانی که کمتر از ۲۰ سال داشتند، نگرش بهتری نیز به پلیس داشتند ولی در عوض، دانشجویان ۳۵ سال به بالا از نگرش کمتر مثبتی نسبت به پلیس برخوردار بودند.

جلوگیری از سردرگمی مراجعین به واحدها و تسهیل و تسریع در امر پاسخگویی که همگی آن‌ها باعث افزایش ضریب رضایت‌مندی فرد می‌شود در زمره عوامل مؤثر بر افزایش نگرش مثبت به پلیس می‌باشد. مثلاً در صورتی که مراحل انجام شکایات و انواع مختلف آن در کلانتری و پاسگاه‌ها به خوبی اطلاع‌رسانی شده باشد، متقاضیان تشکیل پرونده مرتبط با شکایات در کلانتری و پاسگاه افزایش می‌یابند و در صورتی که آمادگی برای افزایش حجم کار در کلانتری و پاسگاه‌ها به وجود نیامده باشد، نتیجه عکس حاصل خواهد شد.

در راستای کاهش میزان ترس از جرم و قربانی جرم شدن پیشنهاد می‌شود حس نظارت مردمی بر فضاهای عمومی از طریق ترویج فرهنگ مسؤولیت‌پذیری و کنترل فضا به وسیله خود شهروندان تقویت شود؛ همکاری بیشتر پلیس با نهادهای مردمی و مردمی‌تر نشان دادن این سازمان از طریق برگزاری جشنواره‌ها و نمایشگاه‌هایی که ارائه‌دهنده ارتباط فی‌مابین پلیس با مردم باشد نیز می‌تواند مؤثر باشد. مانند برگزاری جشنواره‌های اجتماعی، هنری، علمی و فرهنگی از این دست ویژه دانشجویان.

با توجه به معنادار شدن تأثیر ترس از جرم دانشجویان دختر روی نگرش آنان نسبت به پلیس، به منظور کاهش ترس از جرم آنان پیشنهاد می‌شود تدابیری برای افزایش دسترسی به امداد نظیر افزودن بر تعداد تلفن‌های عمومی محدوده مطالعاتی و همچنین، نورپردازی و تجهیز آن‌ها به کد و دکمه امداد فوری، نصب دوربین‌های مدار بسته یا حتی ماکت آن‌ها همراه با هشدارهای نمادین جهت تحت کنترل بودن فضا از طریق نظارت مصنوعی، اندیشیده شود. استفاده از سرویس‌های شبانه بانوان که برای مثال، نمونه موفق آن در قالب تاکسی‌های ویژه بانوان در شهر لندن استفاده می‌شوند و اعتماد بانوان را به خوبی جلب کرده‌اند و کاملاً تحت کنترل هستند، می‌تواند بر کاهش میزان ترس از جرم زنان کمک‌کننده باشد. همچنین، تأمین روشنایی ایستگاه‌های اتوبوس و تاکسی در شب و ایجاد موانعی در پیاده‌روها برای ورود موتورسیکلت به عابر پیاده و امکان داشتن تماس اضطراری در ایستگاه‌ها و سرویس‌دهی منظم و سریع حمل‌ونقل عمومی شامل اتوبوس‌ها و تاکسی‌ها نیز می‌تواند از زمره موارد ایجاد امنیت بیشتر برای بانوان به ویژه در هنگام تاریکی شب می‌باشد تا مانعی از حضور آنان در صورت الزام در شب نباشد.

پلیس جامعه‌محور یکی از رویکردهایی می‌باشد که توانسته است در کشورهای پیشرفته جهت کاهش ترس از جرم و خود جرم امروزه مفید واقع گردد. افسران این گروه، جامعه را بررسی می‌کنند و با سازمان‌های محله‌ای (مساجد، تکیه‌ها، واحدهای مذهبی و فرهنگی محله، واحدهای اجتماعی فعال محله، افراد سرشناس و ریش‌سفیدان محله، سازمان‌های محله‌ای، کسب‌وکار محلی و سازمان‌های دولتی محلی) همکاری می‌نمایند تا مسئله اجتماعی را بر اساس معیارهای خود آن اجتماع و محله درک و حل نمایند، لذا، پیشنهاد می‌شود از چنین گروه‌هایی نیز استقبال بیشتری نسبت به قبل صورت گیرد و تقویت بیشتری شود.

به دلیل معنادار شدن تأثیر رسانه‌های جمعی بر روی نگرش دانشجویان دختر به پلیس، پیشنهاد می‌شود که رسانه‌های جمعی به‌طور گسترده‌تر از آنچه در این تحقیق بدان اشاره شده است یعنی به‌صورت بررسی رسانه‌های داخلی و خارجی تحقیقات لازم روی آن‌ها صورت گیرد تا میزان تأثیر هر یک از انواع این رسانه‌ها روی نگرش و ذهنیت افراد نسبت به پلیس مشخص گردد و راهکارهایی نیز ارائه گردد.

ازجمله محدودیت‌های تحقیق حاضر این است که داده‌های پژوهش حاضر تنها از دانشگاه‌های یک شهر در کشور جمع‌آوری شده است و به سایر استان‌ها و شهرستان‌ها حتی استان اصفهان، قابلیت تعمیم ندارد. لذا، در استفاده از نتایج این پژوهش در دیگر سازمان‌ها یا نهاد پلیس در دیگر استان‌ها و شهرستان‌ها باید محتاط بود. همچنین، با توجه به افق زمانی تحقیق که مقطعی تا تداومی بوده است از یافته‌ها نمی‌توان به استنتاج علی دست یافت. لذا، این امر مستلزم آن است که تحقیق به‌دفعات و زمان‌های مختلف در جامعه مورد مطالعه صورت گیرد.

منابع

- بایاری، عبدالرضا؛ حیدرآبادی، ابوالقاسم و فیروزجاه، علی رحمانی (۱۳۹۹). نقش شرکت‌های خدمات انتظامی در ایجاد احساس امنیت اجتماعی در استان گلستان. مطالعات جامعه‌شناسی، ۱۳(۴۹): ۷۳-۹۳.
- حسنی، رفیق و ادهمی، جمال (۱۳۹۲). بررسی نگرش شهروندان استان کردستان به پلیس و عوامل مؤثر بر آن. فصلنامه دانش انتظامی کردستان، ۴(۱۳)، ۱-۲۴.
- حمیدی فر، علیرضا؛ عباسی، قدرت اله و رحمانی جوانمرد، سمیرا (۱۳۹۶). بررسی رابطه سلامت عمومی و نگرش به پلیس با ترس از جرم شهروندان. پژوهش‌های دانش انتظامی، ۱۹(۳): ۱۴۷-۱۶۶.
- حیدریان، حمیرا (۱۳۹۹). سرریز جویندگان کار از کشورهای پیرامونی تا استان‌های جنوبی به سکونتگاه‌های غیررسمی نصف جهان، روزنامه ایران، ش ۷۵۸۲، مشاهده شده در:
<https://www.irannewspaper.ir/newspaper/item/571343>
- دهقانی، حمید (۱۳۹۸). تیپولوژی مناطق ۱۵ گانه شهری اصفهان با تأکید بر آسیب‌های اجتماعی محله‌های فوق بدخیم، فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، شماره ۷۴، ۱۳۶-۱۱۷.
- رجبی تاج امیر، ابراهیم (۱۴۰۰). نهادینه‌سازی رویه‌های عدالت‌ترمیمی در پلیس. پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، ۹(۱۸): ۱۹۸-۱۷۱.
- ستوده، هدایت الله (۱۳۸۴). آسیب‌شناسی اجتماعی. تهران: آوای نور، چاپ چهاردهم.
- سهراب زاده، مهران؛ عشایری، طاها و حسنونند، اسماعیل (۱۳۹۳). تبیین جامعه‌شناختی ترس از جرم (پیمایش مناطق حاشیه‌نشین شهر تبریز در سال ۱۳۹۳). فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۴۰، ۸۷-۱۲۲.

- قاضی نژاد، مریم و شاکری، فرشته (۱۳۹۱). بررسی و تحلیل جامعه‌شناختی ترس از جرم و رفتارهای غیرمدنی در میان زنان شهر تهران. مسائل اجتماعی ایران، ۳(۲)، ۱۸۱-۲۰۲.
- طاهری، زهرا؛ ربانی، رسول و ادیبی سده، مهدی (۱۳۹۱). رابطه نقش پلیس و احساس امنیت در شهر اصفهان. فصلنامه پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، ۱(۱)، ۲۱-۳۸.
- عبدالملکی، احمد؛ زاهدی مازندرانی، محمدجواد؛ ملکی، امیر و علی‌اکبری، اسماعیل (۱۳۹۶). تبیین جامعه‌شناختی ترس از جرم در شهر تهران. فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات امنیت اجتماعی، ۵۱، ۲۳۱-۲۶۰.
- علیزاده اقدم، محمدباقر؛ گلابی، فاطمه و مفاخری، اقبال (۱۳۹۵). بررسی اعتماد شهروندان به پلیس با تأکید بر دیدگاه عدالت رویه‌ای و عملکرد پلیس. پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، ۵(۱۴)، ۱-۲۰.
- عشایری، طاها؛ نیازی، محسن و وثوقی اصل، اصغر (۱۴۰۰). مطالعه ترس از جرم در بین شهروندان اردبیلی. پژوهش‌های جامعه‌شناختی، ۱۵(۱): ۱۱۱-۱۴۰.
- Borrero, M, (2001). **The widening mistrust between youth and police**. Families in Society: The Journal of Contemporary Human Services, 82(4), 399-408.
- Brown, B. & Benedict, W.R. (2002). **Perceptions of the police: past findings, methodological issues, conceptual issues, and policy implications**. Policing: An International Journal of Police Strategies and Management, 25, 543-80.
- Cao, L. & Hou, C, (2001). **A comparison of confidence in the police in China and in the United States**. Journal of Criminal Justice, 29, 87-99.
- Cheng H. Chi. (2009). **Knowledge sharing and group cohesiveness on performance: An empirical study of technology R&D teams in Taiwan**. Tec novation, 29, 786-797.
- Crawford, A. (2009). **Criminalizing sociability through anti-social behavior legislation: dispersal powers, young people and the police**. Youth Justice, 9(1), 5-26.
- Evans, D & Fletcher, M. (2000). **Fear of crime: testing alternative hypothesis**. Applied Geography, 20, 395- 411.
- Fornell, C., & Larcker, D. (1981) **.Structural equation models with unobservable variables and measurement error**, Journal of Marketing Research, 18(1), 39-50.
- Friedman, W., Lurigio, A.J., Greenleaf, R. G. & Albertson, S. (2004). **Encounters between police and youth: social costs of disrespect**. Journal of Crime and Justice, 27, 1-25.
- Gannon, M. (2005). **General Social Survey on Victimization, Cycle 18: An Overview of Findings**, Ministry of Industry, Ottawa.
- Hale, C. (1994). **Fear of crime: a review of the literature**. International Review of Victimology, 4, 79-150.
- Hawdon, J. E., Ryan, J. & Griffin, S.P. (2008). **Policing tactics and perceptions of police legitimacy**. Police Quarterly, 6(4), 469-91.
- Hulland, J. (1999). **Use of partial least square (PLS) in strategic management research: a review of four recent studies**. Strategic Management, 20, 195-204.
- Prieto Curiel, R. & Richard Bishop, S. (2018). **Fear of crime: the impact of different distributions of victimization** Palgrave Communications. Palgrave Communications, 4(46).
- Rachele Clark. K. (2006). **A longitudinal study of fear of crime in Winnipeg**. Department of sociology, University of Manitoba.
- Radford, K., Hamilton, J. & Jarman, N. (2005). **It's their word against mine': young people's attitudes to the police complaints procedure in Northern Ireland**. Children and Society, 19, 360-70.
- Schafer, J., Huebner, T., & Bynum, T. (2006). **Fear of crime and criminal victimization: gender-based contrasts**. Journal of Criminal Justice, 34, 285-301.
- Skogan, W. G. (2005). **Citizen satisfaction with police encounters**. Police Quarterly, 8(3), 298-321.

- Sunshine, J. & Tyler, T. (2003). **Moral Solidarity, Identification with the Community, and the Importance of Procedural Justice: The Police as Prototypical Representatives of a Group's Moral Values.** Social Psychology. Quarterly, 66(2), 153-165.
- Tyler, T. R. & Huo, Y. J. (2002). **Trust in the law: Encouraging public cooperation with the police and courts.** New York: Russell Sage.
- Tyler, T. R. & Wakslak, Ch. J. (2004). **Profiling and police legitimacy: Procedural Justice, attributions of motive and acceptance of police authority.** Criminology, 42(2), 253-281.
- Wu Y., Sun I. Y. (2010). **Perceptions of police: an empirical study of Chinese college students.** International Journal of Police Strategies & Management, Vol. 33, No 1.